

## از شمار دو چشم یک تن کم وز شمار خرد هزاران بیش

ضایعه بزرگ درگذشت دکتر امیر حسین آریانپور انسان و مربی باشکوه و اندیشمند بزرگ ایران معاصر ضایعه‌ای بس سنگین و دردناک برای مردم فرهنگ دوست و جامعه روشنفکری مترقی، دمکرات و روشن اندیش ایران است. آریانپور بمثابة بنیانگذار جامعه‌شناسی مدرن در ایران همه عمر گرانمایه و پر تکاپو و جستجوگرش را صرف پژوهش و نگارش اثرهای عمیق در جامعه‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی هنری، نظریه پردازی و آموزش و پرورش نسل جوان کشور نمود.

اثر برجسته «زمینه جامعه‌شناسی» او که پس از انتشار در سال ۱۳۴۴ بزودی به کتاب بالینی دانشجویان و دانش پژوهان و مردم تشنه علم و معرفت تبدیل شد، تأثیری بسیار ژرف در تعالی و پالایش اندیشه‌ها و نواندیشی در زندگی سیاسی و اجتماعی گذاشته است. در جامعه فرهنگی ایران کمتر کسی است که این اثر موشکافانه و عمیق را نخوانده و از آن بهره‌ها نبرده باشد.

آریانپور در این اثر ماندگار تعریف‌های بدیع و بکر درباره کلیدی‌ترین مفهومی‌ها و مقوله‌های اجتماعی و جامعه‌شناسی که تا آن تاریخ در کشور ما سابقه نداشت، بدست داد و از این مقوله‌ها در ذهن‌های عمومی اسطوره‌زدایی نمود.

بحث پیرامون علم، مختصات جامعه‌شناسی، رابطه‌های ارگانیک انسان و جامعه، رابطه‌های محیط طبیعی و جامعه، رفتارهای گروهی، هم‌نویایی‌های گروهی، رفتارهای جمعی، طبقه‌بندی‌های اجتماعی، شخصیت و زمینه اجتماعی شخصیت، سازمان‌های اجتماعی، سازمان‌های اقتصادی، سازمان‌های حکومتی، سرچشمه جنگ‌ها، خانواده، دین و بنیان‌های آن، دولت و شالوده آن، بازسازی جامعه و غیره و غیره خواننده را از آگاهی‌های لازم مقدماتی غنی می‌سازد و او را به پژوهش بیشتر در این عرصه‌ها برمی‌انگیزد.

«زمینه جامعه‌شناسی» آریانپور بدقت به کالبدشکافی شوربختی‌های مردم در جامعه معاصر بشری می‌پردازد و آن را ناشی از «عامل سودجویی نامحدود و بهره‌کشی انسان از انسان» توسط سودورزان لگام‌گسیخته سرمایه‌داری می‌داند. دامنه بحث همه جا از واهمه سانسور بیشتر نمی‌رود و اصولاً سراسر کتاب با همه ظرافت و دقت و ویژگی‌های تحسین‌برانگیز بشدت از خودسانسوری آشکار دوره پهلوی رنج می‌برد. در حقیقت ناگسترده‌گی برخی نکته‌ها و موضوع‌های حساس بمنظور گریز از چنگ سانسور و امکان ممکن نشر اثر بوده است.

آریانپور بعنوان استاد مسلم فلسفه دانشسرای عالی و دانشگاه تهران، دیدگاه‌های فلسفی‌اش را در کلاس‌های درس و بصورت مقاله‌ها در اختیار دانشجویان و علاقمندان قرار می‌داد. یکی از مقاله‌های درخشان فلسفی او بحث درباره «شناخت» است که نخستین بار در دهه ۳۰ شمسی در مجله «صدف» به سردبیری م.ا. به‌آذین، نویسنده و مترجم نامدار بچاپ رسید.

احاطه آریانپور به فلسفه کهن ایران از نوشتارها و بیان‌های فلسفی او کاملاً نمودار است. درآمیازی ظریف

بینش‌های فلسفی ایران و فلسفه مدرن جهان از ویژگی‌های نظریه‌پردازی غنی اوست. مقاله فشرده و بلند او درباره ابن‌سینا و ترجمه دقیق کتاب «سیر فلسفه در ایران» اقبال لاهوری بروشنی، استادی او را در بیان چابک و استوار دیده‌های فلسفی بنمایش می‌گذارد. اینهمه در نثری شیوا، باطراوت و شعرگونه بنحوی سیلان می‌یابد که خواننده از خواندن پیچیده‌ترین مطلب احساس بیگانگی نمی‌کند. نثر شیرین و دلپذیر آریانپور خود یک شاهکار خلاقیت در یگانگی اندیشه و کلام است. واژه‌آفرینی و معادل‌سازی‌های او سرآغازی برای معادل‌سازی‌های پردامنه جدید برای پیوند دادن اندیشه ایرانی با شاهکارهای اجتماعی و فلسفی جهان است.

کتاب «جامعه‌شناسی هنر» آریانپور نخستین تحلیل جامعه‌شناسانه هنر در ایران است که در نوع خود اثری منحصر بفرد و پژوهشی نورسته است. این کتاب تا آنجا که کنکاش‌های آن دوره پیرامون نظریه علمی درباره تظورهای هنری اجازه می‌داد، به بحث و بررسی پیرامون زمینه اجتماعی هنر در عرصه فولکلور، شعر، پیکرتراشی، موسیقی و هنرهای تجسمی پرداخته است. بنوشته آریانپور در آن وقت هنوز در غرب و شرق نظریه علمی **جامعی** در این خصوص پدید نیامده بود.

آزاد اندیشی و خلاقیت در پژوهش‌های اجتماعی، فلسفی و هنری ویژگی خاصی به جایگاه او در میان روشنفکران چپ نواندیش و دمکرات ایران داده است. در واقع، آریانپور یکی از نمونه‌های ممکن نواندیشی در جنبش چپ ایران است. استقلال فکری او و نگنجیدن در قالب‌های تنگ نگرش دگماتیک، موقعیت مناسبی برای همه‌سوانگری او فراهم آورده بود. تعریف دولت و حکومت باختصار در کتاب «زمینه جامعه‌شناسی» که با فرمولبندی‌های رسمی مارکسیسم-لنینیسم همخوانی نداشت عکس‌العمل شدید پاره‌ای از روشنفکران چپ دگماتیک را برانگیخت. در واقع آریانپور با انتشار کتاب «در آستانه رستاخیز: مقدمه‌ای در باب دینامیسم تاریخ» در دهه ۲۰ نوع نگرش خودویژه‌اش را به تاریخ که خارج از فرمولبندی‌های سنتی ماتریالیسم تاریخی است، نشان داد. این اثر تخته پرشی برای تدوین «زمینه جامعه‌شناسی» بود.

آریانپور اندیشمندی سوسیالیست بود و در عین حال در هیچیک از حزب‌ها و سازمان‌های سیاسی چپ عضویت نداشت. او نجات بشریت را از شر بردگی استثمار سرمایه‌داری در مهار کردن سودورزی افسار گسیخته این طبقه استثمارگر می‌دانست. کلاس‌های درس او همواره مملو از دانشجویانی بود که از دانشکده‌های مختلف برای شنیدن سخنان استاد می‌آمدند. دانشجویان بعلت نبودن جا ناگزیر بودند روی زمین و لبه پنجره‌ها بنشینند و یا ساعت‌ها ایستاده به سخنرانی او گوش دهند.

در گرماگرم مبارزه چریکی، او به دانشجویان توصیه می‌کرد، کار دانشجو مبارزه کماندویی نیست. دانشجو قبل از هر چیز باید برای آگاهی خود و جامعه بدقت تاریخ و فرهنگ و فلسفه و سیاست کشور خود را بیاموزد. جاذبه سخنان پرمغز هوش‌ریای او بنحوی بود که در اندک مدت نهضت تحقیق و پژوهش براه انداخت. همین امر ساواک رژیم شاه را سخت بوحشت انداخت. ازینرو، ابتدا مانع از برگزاری این سخنرانی‌ها شدند و سپس او را از تدریس در دانشگاه تهران بازداشتند و به دانشکده «معقول و منقول» آن زمان منتقل کردند تا ارتباط او با دانشجویان قطع گردد. او در این

دانشکده نیز بیکار نشست. دانشجویان برای بهره‌گیری از دانش استاد از هر سو به این دانشکده می‌آمدند. ساواک به تهدید و ایجاد محدودیت ادامه داد. کوربینان مذهبی نیز او را تهدید به مرگ کردند.

بی‌جهت نیست که پس از «انقلاب ضد فرهنگی» ارتجاع حاکم مذهبی ارتباط آریانپور با دانشگاه‌های کشور بکلی قطع گردید. او چندی برای مصون ماندن از تعرض حکومتگران مذهبی از نظرها پنهان ماند، با اینهمه هیچگاه ارتباطش را با مشتاقان و شیفتگان علم و دانش و دوستان خود از هر صنف نگسست. دستگاه سانسور اسلامی مانع از نشر اثرهای او گردید تا پدیده‌ای بنام آریانپور، از ذهن جامعه سترده گردد.

آریانپور در سالهای سیاه پس از انقلاب علی‌رغم رنجوری تن و محدودیت‌های تصورناپذیر حکومتی به پژوهش ادامه داد که حاصل آن تکمیل اثرهای ماندگار از جمله فرهنگ چند جلدی جامعه‌شناسی فلسفی است.

آری، در سرزمین ما همواره مردمان آزاده و نام‌آوران فرهنگ و اندیشه در بدترین جو آزار و پیگرد و بی‌حرمتی زیسته‌اند. حاکمان جور زمان‌شان از هیچ ترفندی برای رنج و عذاب آنان دریغ نکرده‌اند. اما پس از مرگ آنان سمتکاران، برای ارج و قرب نهادن بخود، آنان را ستوده‌اند، مجلس‌ها آراسته‌اند و سخنان پر لاف و گزاف گفته‌اند. کما اینکه بتازگی در تهران با بوق و کرنا بزرگداشت شیخ شهاب‌الدین سهره‌وردی، فیلسوف شجاع ایران که بدست کوردلان مذهبی بقتل رسید، برپا بود. به قاتلان ناسزها گفتند. چنین رویدادی نیز بهنگام خاموشی آریانپور، فرزانه بزرگی که کوردلان مذهبی او را از تدریس در دانشگاه بازداشتند، خانه نشین‌اش کردند و از نشر اثرهایش جلوگیری کردند، اتفاق افتاد. زها زه که:

سنگ بدگوهر اگر کاسه زرین شکند      قیمت سنگ نیفزاید و زر کم نشود

ما با احساس اندوه فراوان از فقدان استاد فرزانه و اندیشمند بلندپایه دکتر امیر حسین آریانپور، بخانواده ارجمند او و مردم فرهنگ‌دوست و آزادیخواهان و دانش‌پژوهان صمیمانه تسلیت می‌گوییم و یاد او را گرامی می‌داریم.

هیأت نگارندگان نگرش

مرداد ۱۳۸۰